

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، صفحات ۶۹-۸۲

بررسی تأثیر نوع بهره‌برداری بر وضعیت مراتع شهرستان سوادکوه

مائده یوسفیان، رضا تمرناش، محمدرضا طاطیان، و فاطمه منتظری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۲۶

چکیده

تحقیق حاضر، با بررسی بهترین نوع بهره‌برداری از میان بهره‌برداری‌های شورایی، مشاع و افرازی، به مطالعه اثر این بهره‌برداری‌ها بر وضعیت مراتع شهرستان سوادکوه در ۱۳۹۱ می‌پردازد. ارزشیابی بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده بهره‌برداران ۲۱ مرتع و حجم نمونه ۹۲ نفر بود. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از آزمون کروסקال-والیس، آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، آزمون تجزیه واریانس و دانکن و ضریب همبستگی اسپیرمن و آزمون t انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان‌دهنده رابطه معنی‌دار انواع مختلف بهره‌برداری و تعداد بهره‌برداران با وضعیت مرتع و فیتوماس بود؛ همچنین، تفاوت معنی‌دار (در سطح پنج درصد) میان میزان تمایل بهره‌برداران به ازدیاد دام در بهره‌برداری شورایی وجود داشت، در حالی که در بهره‌برداری‌های مشاع و افرازی، این تفاوت دیده نمی‌شد؛ احساس مالکیت بهره‌برداران نسبت به مرتع نیز برخلاف بهره‌برداری شورایی، در شیوه‌های بهره‌برداری افرازی و مشاع معنی‌دار بود (در سطح یک درصد). با توجه به نتایج به دست آمده، برای پایداری مراتع منطقه مورد مطالعه، کاهش تعداد بهره‌بردار و دام ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: بهره‌برداری، مالکیت، وضعیت مرتع، تعداد دام، سوادکوه (شهرستان).

* به ترتیب، نویسنده مسئول و دانشجوی دکتری علوم مرتع، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران (maedehousefian@yahoo.com)، اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، و دانش‌آموخته کارشناسی مرتع و آبخیزداری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

مقدمه

با توجه به نظام تولید در مراتع ایران، که وضعیت و توان بوم‌شناختی از عوامل محدودکننده آن شناخته می‌شوند، نقش واحدهای اجتماعی در بهره‌برداری اصولی و دستیابی به توسعه پایدار حائز اهمیت است (ارزانی و همکاران، ۱۳۸۴). در واقع، مسائل اقتصادی و اجتماعی از مهم‌ترین ارکان مدیریت در عرصه‌های منابع طبیعی شناخته شده‌اند (مهرابی و همکاران، ۱۳۸۹). در ایران، به عقیده کارشناسان مرتع‌داری، به دلیل تأثیرپذیری مستقیم پوشش گیاهی از شیوه و شکل بهره‌برداری در فرایند مدیریت چرا، نوع مالکیت و هماهنگی میان بهره‌برداران بر حفظ وضعیت و بهبود مراتع بسیار تأثیرگذار است (خلیقی و قاسمی، ۱۳۸۳؛ حیدری و همکاران، ۱۳۸۹؛ حسینی‌نسب و همکاران، ۱۳۸۹). از زمان‌های قدیم، در قوانین اجتماعی نیز حق مالکیت به‌مثابه پدیده‌ای فطری تصدیق شده است و جوامع بر اساس پذیرش شکلی از آن، فعالیت‌های اقتصادی خود را سامان داده‌اند (فراهانی‌فرد و صادقی، ۱۳۸۵). مرتع^(۱) از پایدارترین عوامل تولید در دامداری سنتی محسوب شده (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۷۹)، از آن به‌صورت منبع اساسی تغذیه دام استفاده می‌شود (Cousins, 2000). از آنجا که بهره‌برداری از بخش عمده مراتع همچنان در چارچوب نظام سنتی صورت می‌گیرد (ازکیا، ۱۳۶۵)، شناخت دقیق و همه‌جانبه این نظام در مدیریت و مالکیت^(۲) مرتع ضروری است (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۴).

در نظام سنتی ایران، مراتع به شکل‌های شورایی^(۳)، مشاع^(۴) و افرازی^(۵) (مورد بهره‌برداری^(۶)) قرار می‌گیرد، به‌گونه‌ای که در مراتع شورایی، پروانه چرا به نام شورا صادر می‌شود و ساکنان روستا بر اساس سیاهه پروانه مرتع‌داری، از مراتع حریم روستا بهره می‌برند (دفتر فنی مرتع، ۱۳۸۴). در مورد مراتع با مالکیت مشاعی نیز پروانه چرا هر سامان عرفی به‌صورت مشاع به نام مرتع‌داران ذی‌حق همان سامان صادر می‌شود و بهره‌برداران بر اساس سیاهه پروانه مرتع‌داری، از مراتع بهره‌برداری می‌کنند (دفتر فنی مرتع، ۱۳۸۴). بنابراین، در این گونه مراتع، برای هر واحد بهره‌برداری، یورت* جداگانه

* «یورت» محل استقرار خاص در هر دوره بیلاقی و یا قشلاقی و در واقع، چراگاه خاص هر قبیله یا طایفه است که دارای محدوده مشخص بوده و در ازای دریافت مالیات برای هر خیمه در اختیار ایلات قرار می‌گرفته است.

و خاص وجود ندارد (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۷۹) و گله به صورت مشترک چرا داده می‌شود (Kissling et al., 2002). از سوی دیگر، مرتع افراز عبارت است از مراتع محدود شده‌ای که معمولاً تک‌پروانه‌ای بوده و تعداد بهره‌برداران آن از یک تا چند نفر بر اساس سیاهه پروانه مرتع‌داری مشخص است. این مراتع جزو انفال محسوب شده، شخص استفاده‌کننده حق فروش آن را ندارد (دفتر فنی مرتع، ۱۳۸۴). افراد حق بهره‌برداری در حد قابل قبول از نظر اجتماعی را داشته، موظف به دوری از بهره‌برداری‌های غیرمجاز و رعایت حقوق دیگرانند. از آنجا که منابع طبیعی یا در مالکیت دولت است و یا دولت به عنوان نماینده و حافظ منافع عامه مردم، سرپرستی آن را به عهده دارد؛ بهره‌برداری از این منابع از انعطاف زیادی برخوردار است (فراهانی‌فرد و صادقی، ۱۳۸۵). برخی مطالعات نشان می‌دهد که طرح‌های مرتع‌داری فردی، در بسیاری از جنبه‌های مدیریت بهره‌برداری از قبیل تصمیم‌گیری، اعتبار، تخصیص منابع، اجرا، ایجاد انگیزه و ارتقای کیفیت، موفق‌تر و پایدارتر از طرح‌های مشاعی و تعاونی است (ازکیا، ۱۳۷۸). عبدالله‌پور (۱۳۷۳) مشاعی بودن مراتع را شکلی از عدم تعیین تکلیف و عامل همه خرابی‌ها و عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در راستای حفظ، احیا و توسعه و همچنین، علت اصلی سبقت در تخریب یعنی چرای زودرس و چرای مفرط می‌داند. به‌طور کلی، یکی از سیاست‌های اجرایی در زمینه تعادل دام و مرتع و کاهش تخریب مرتع شناخت واحدهای مطلوب بهره‌برداری از مراتع است. مسلم است که هر چه تعداد بهره‌بردار و دام کمتر باشد، اجرای طرح‌های بهبود وضعیت مرتع^(۱) آسان‌تر خواهد بود. در این راستا، تحقیق حاضر که بخشی از پروژه دانشجویی اجرا شده در منطقه سرخ‌آباد سوادکوه است، با ارزیابی بهترین نوع بهره‌برداری از میان انواع بهره‌برداری‌های شورایی، مشاع و افزایی، به بررسی اثر این بهره‌برداری‌ها بر وضعیت و تولید مرتع می‌پردازد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه در سال ۱۳۹۱ صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۱ مرتع شهرستان سوادکوه

بوده که توزیع آنها به شیوه سهمیه‌بندی بین مالکیت‌های مختلف شورایی، مشاع و افزای صورت گرفته است. با بهره‌گیری از رابطه شارپ و کوکران، بر اساس اندازه جمعیت کل، حجم نمونه ۹۲ نفر تعیین شده که با استفاده از رابطه زیر به دست آمده است:

$$n = N(t.s)^2 / Nd^2 + (t.s)^2$$

که در آن، n حجم نمونه، s=۰/۵۵ انحراف معیار جامعه، N=۱۱۰ حجم جامعه، d=۰/۰۵ دقت احتمالی مطلوب، و t=۱/۹۶ فاصله اعتماد است.

محدوده مورد مطالعه شامل مراتع کوهستانی شهرستان سوادکوه و دربرگیرنده ۱۵۰ بهره‌بردار بوده است. حداقل دمای ماه‌های سال ۴/۷ درجه سانتی‌گراد در دی‌ماه و حداکثر آن ۲۳/۶ درجه سانتی‌گراد در تیرماه بوده و بیشترین میزان میانگین بارندگی در ماه‌های سال نیز در دی‌ماه با ۵۰/۱ میلی‌متر و کمترین آن در خرداد با ۱۶/۹ میلی‌متر است. از گیاهان منطقه می‌توان گونه‌های ملیلوتوس آفیسینالیس^(۹)، لولیوم پرن^(۱۰)، پوتتیلا رپتانس^(۱۱)، و سنسیو ورنالیس^(۱۲) را یادآور شد. اقلیم منطقه با استفاده از روش دومارتن نیمه‌مرطوب گزارش شده است. دامداران منطقه از نوع روستایی مهاجر (متحرک) بوده، در فصل تابستان به مرتع عزیزت می‌کنند. سواد بهره‌برداران در سطح تحصیلات ابتدایی است. بهره‌برداران، پس از فصل تعلیف تابستانه، به اجاره زمین‌های کشاورزی به‌ویژه شالیزارهای محدوده روستاها و شهرهای محل اقامت خود می‌پردازند و همچنین، از طریق کشت بذور شبدر و پس‌چرازی، در فصول پاییز و زمستان و بهار، دام‌های خود را تغذیه می‌کنند.

داده‌های پرسشنامه به صورت کمی یا با مقیاس رتبه‌ای جمع‌آوری شده و همچنین، وضعیت مراتع با استفاده از روش چهارعاملی تعدیل شده برای مراتع ییلاقی شمال کشور به دست آمده است. در بخش آمار توصیفی، برای بیان ویژگی‌های فردی و شرایط موجود، از آمارهایی همچون فراوانی، درصد و میانگین و در بخش تحلیل داده‌ها نیز از آزمون کروסקال-والیس بهره‌گیری شده است. نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و مقدار فیتوماس^(۸) (توده هوایی گیاه) در هر کدام از شیوه‌های

بهره‌برداری به کمک آزمون تجزیه واریانس و دانکن مقایسه مقایسه شده است. رابطه تعداد بهره‌بردار و دام با وضعیت مرتع با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن به دست آمده و همچنین، برای مقایسه تعداد دام تعیین شده با تعداد دام حاضر در هر کدام از انواع بهره‌برداری، از آزمون t-student استفاده شده است.

نتایج و بحث

انواع شیوه‌های بهره‌برداری

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که مرتع مشاع با ۵۴ نفر (۵۸/۶۹ درصد) و مرتع افزایی با شانزده نفر (۱۷/۳۹ درصد) بهره‌بردار، به ترتیب، بیشترین و کمترین تعداد بهره‌بردار را داشته‌اند.

جدول ۱- توزیع تعداد اعضای بهره‌بردار و فراوانی انواع شیوه‌های بهره‌برداری، سطح مرتع

و تعداد دام در جامعه آماری پژوهش

عوامل	تعداد بهره‌بردار	فراوانی	درصد	سطح مرتع (هکتار)	تعداد دام
شورایی	۲۲	۶	۲۳/۹۱	۴۲۰۲	۳۹۸۰
مشاع	۵۴	۸	۵۸/۶۹	۹۷۴۸	۸۳۴۰
افزایی	۱۶	۷	۱۷/۳۹	۳۱۲۵	۲۸۶۰
مجموع	۹۲	۲۱	۱۰۰	۱۷۰۷۵	۱۵۱۸۰

منبع: داده‌های تحقیق

وضعیت تعداد بهره‌بردار و دام

نتایج مطالعات میدانی و نظرات مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که در شیوه افزایی، صد درصد بهره‌برداران زیر شش خانوار بوده‌اند؛ همچنین، در شیوه مشاعی، طبقات خانوار یک تا پنج نفره و شش تا ده نفره وجود نداشته و طبقه یازده تا پانزده نفره نیز دارای بالاترین تعداد بوده است؛ همچنین، در شیوه شورایی، بیشترین طبقه خانوار بالای بیست نفره (۴۲/۳۵ درصد) بوده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، از لحاظ تعداد دام نیز حدود ۳۱ درصد بهره‌برداران منطقه بین ۸۶ تا ۱۷۰ رأس دام دارند (جدول ۲).

جدول ۲- تعداد بهره‌بردار و تعداد دام در هر کدام از شیوه‌های بهره‌برداری به درصد

متغیر	طبقات	شورایی	مشاع	افرازی	مجموع
	۱-۵	-	-	۱۰۰	۲۰/۴۳
	۶-۱۰	۱۰	-	-	۱۶/۶۵
تعداد افراد خانوارهای بهره‌بردار (نفر)	۱۱-۱۵	۲۰/۹۴	۵۰/۸۷	-	۳۰/۳
	۱۶-۲۰	۲۶/۷۱	۱۰/۰۱	-	۲/۳۲
	۲۰<	۴۲/۳۵	۳۹/۱۲	-	۲۵/۲۵
	مجموع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	۱-۸۵	۶	۱۳	۱	۲۱/۷۳
	۸۶-۱۷۰	۶	۱۵	۸	۳۱/۵۲
تعداد دام (واحد دامی)	۱۷۱-۲۵۵	۵	۱۴	۲	۲۲/۸۲
	۲۵۶-۳۴۰	۲	۶	۳	۱۱/۹۵
	۳۴۰<	۳	۶	۲	۱۱/۹۵
	مجموع	۲۲	۵۴	۱۶	۱۰۰

منبع: داده‌های تحقیق

اثر انواع بهره‌برداری مشاع، شورایی و افرازی بر وضعیت مرتع

نتایج تعیین وضعیت مرتع با استفاده از روش چهارعاملی نشان می‌دهد که مراتع ۱۵/۲۱ درصد از بهره‌برداران در وضعیت عالی بوده است و از آن میان، هشت نفر از شیوه مشاع، پنج نفر از شیوه شورایی و یک نفر نیز از شیوه افرازی استفاده کرده‌اند. همچنین، از مراتع خوب منطقه ۶۶/۳۰ درصد بهره‌برداران و به ترتیب، چهل، چهارده و هفت بهره‌بردار از سه شیوه مشاع، افرازی و شورایی استفاده کرده‌اند. ۱۶/۳۰ درصد از بهره‌برداران منطقه مراتع متوسط را در اختیار داشته و از آن میان، هشت نفر به شیوه شورایی، شش نفر به شیوه مشاع و یک نفر دیگر به شیوه افرازی از مراتع بهره‌برداری کرده‌اند. از مراتع فقیر منطقه نیز تنها دو بهره‌بردار به شیوه شورایی استفاده کرده‌اند (جدول ۳). همچنین، نتایج آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد که بین انواع مختلف بهره‌برداری و وضعیت مرتع رابطه معنی‌دار وجود داشته، به گونه‌ای که تأثیر انواع مختلف بهره‌برداری شورایی، مشاع، و

افزایی بر وضعیت مرتع معنی‌دار بوده است ($P=0/001$ و $X^2=13/04$) و میانگین رتبه‌های آن در بهره‌برداری افزایی، مشاع و شورایی، به ترتیب، ۵۰/۳۱، ۴۶/۴۶ و ۲۹/۸۷ است.

جدول ۳- بررسی وضعیت مرتع بر اساس شیوه‌های بهره‌برداری

متغیر	وضعیت مرتع	شورایی (تعداد)	مشاع (تعداد)	افزایی (تعداد)	درصد بهره‌بردار	X^2	سطح معنی داری (همه وضعیت‌ها)
وضعیت مرتع	عالی	۵	۸	۱	۱۵/۲۱	۱۳/۰۴	۰/۰۰۱
	خوب	۷	۴۰	۱۴	۶۶/۳۰		
	متوسط	۸	۶	۱	۱۶/۳۰		
	فقیر	۲	-	-	۲/۱۷		
	خیلی فقیر	-	-	-	-		
	مجموع	۲۲	۵۴	۱۶	۱۰۰		

منبع: داده‌های تحقیق

همان‌گونه که مشاهده شد، هرچه مراتع به سمت شورایی پیش می‌رود، وضعیت آنها فقیرتر می‌شود. از آنجا که تشکل‌های بومی موجود به‌طور غالب بر مبنای خانوار در منطقه شکل گرفته، بررسی اثرات بهره‌برداری پیش‌گفته در قالب خانوارهای بهره‌بردار قابل بررسی است. بنابراین، هرگاه از اثرات بهره‌برداری صحبت می‌شود، منظور اثر کلیه افراد بهره‌بردار به همراه خانواده‌هایشان است. باژیان (۱۳۷۴) و تیماه و همکاران (Timah et al., 2008) نیز در تحقیقات خود به نتایجی مشابه دست یافته و نوع مدیریت مرتع را در بهبود و تضعیف وضعیت مرتع اثربخش گزارش کرده‌اند، در حالی که بر اساس نتایج پژوهش حسینی‌نسب و همکاران (۱۳۸۹) در منطقه اراک، مدیریت در بین بهره‌برداران با گروه بیشتر بهتر از بهره‌برداران با گروه کمتر است.

تأثیر انواع بهره‌برداری بر فیتوماس مرتع

نتایج تحلیل واریانس داده‌ها نشان می‌دهد که بین تأثیر انواع مختلف بهره‌برداری شورایی، مشاع و افزایی بر فیتوماس مرتع در سطح یک درصد اختلاف معنی‌دار وجود

داشته، به گونه‌ای که با مقایسه میانگین، میزان فیتوماس مرتع در بهره‌برداری افزایشی با ۲۸۰ کیلوگرم در هکتار بیش از میزان فیتوماس در بهره‌برداری شورایی (۲۴۵ کیلوگرم در هکتار) و مشاع (۲۱۰ کیلوگرم در هکتار) بوده است (شکل ۱).



منبع: داده‌های تحقیق

شکل ۱- میانگین فیتوماس مرتع در انواع مختلف بهره‌برداری

میانگین میزان فیتوماس مرتع در بهره‌برداری افزایشی بیش از بهره‌برداری‌های شورایی و مشاع است. به لحاظ آماری نیز مشاهده شد که بین انواع بهره‌برداری شورایی، مشاع و افزایشی در سطح یک درصد اختلاف معنی‌دار وجود دارد. در بهره‌برداری افزایشی، به دلیل تعداد بهره‌بردار کمتر، مدیریت جامع‌تر و رقابت کمتر بوده و در نتیجه، بهترین وضعیت را در شیوه‌های مختلف بهره‌برداری داشته است و پس از آن، مشاع و در نهایت، شورایی قرار دارند؛ بازیان (۱۳۷۴)، عبدالله‌پور (۱۳۷۳)، پاپلی یزدی و لباف خانیکی (۱۳۷۹)، حیدری و همکاران (۱۳۸۹) و لایس (Lise, 2000) نیز در پژوهش‌های خود به نتایجی مشابه رسیده‌اند.

رابطه وضعیت مرتع با تعداد بهره‌بردار و تعداد دام

نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن در تحقیق حاضر نشان‌دهنده رابطه منفی و معنی‌دار بین تعداد بهره‌بردار و وضعیت مرتع بوده و رابطه وضعیت مرتع با تعداد دام نیز منفی و

معنی‌دار است، به گونه‌ای که هرچه تعداد بهره‌بردار افزایش می‌یابد، وضعیت مرتع فقیرتر و تولید کمتر می‌شود و در مورد دام نیز با افزایش آن، روند نزولی وضعیت مرتع مشاهده می‌شود (جداول ۲ و ۳).

مقایسه تعداد دام تعیین شده با تعداد دام حاضر در هر کدام از انواع بهره‌برداری

نتایج آزمون t-student نشان می‌دهد که بین تعداد دام تعیین شده و تعداد دام حاضر در مرتع اختلاف معنی‌دار ($P=0/001$ و $t=15/06$) در هر سه نوع بهره‌برداری وجود دارد، به گونه‌ای که تعداد دام تعیین شده برای هر بهره‌بردار ۱۶۵ واحد دامی و تعداد دام حاضر در مرتع ۲۶۰ واحد دامی برآورد شده و بدین ترتیب، تعداد ۱۰۵ واحد دامی مازاد بر ظرفیت تعیین شده بوده است.

در توجیه نتایج رابطه وضعیت مرتع با تعداد بهره‌بردار و تعداد دام، می‌توان گفت که در بهره‌برداری‌های گروهی، به دلیل تعداد زیاد بهره‌بردار، استفاده صحیح و اصولی از مراتع کاهش می‌یابد و هر کدام از بهره‌برداران به فکر بیشترین استفاده خود از مرتع‌اند و در نتیجه، وضعیت مرتع رو به افول می‌رود. بنابراین، برقراری تعادل بهینه و منطقی بین شمار بهره‌بردار و توان تولیدی مراتع و اندازه مناسب گله در واحدهای بهره‌برداری از عوامل ضروری در مدیریت پایدار مراتع به‌شمار می‌رود (میلادفر و همکاران، ۱۳۸۹). خلیقی و همکاران (۱۳۸۵) و حیدری و همکاران (۱۳۸۹) نیز در تحقیقات خود تعداد زیاد بهره‌بردار و دام را عاملی مخرب در بهبود وضعیت مراتع دانسته‌اند. قسمتی از نتایج نشان‌دهنده اختلاف معنی‌دار بین تعداد دام تعیین شده و تعداد دام حاضر در مرتع در هر کدام از انواع مختلف بهره‌برداری بوده، به گونه‌ای که بهره‌برداری افرازی کمترین و بهره‌برداری شورایی بیشترین تعداد دام مازاد بر ظرفیت مرتع را به همراه داشته است. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هرچه نوع بهره‌برداری به سمت گروهی پیش می‌رود، میزان رقابت و تمایل برای افزایش تعداد دام نیز بیشتر می‌شود. حیدری و همکاران (۱۳۸۹)، اسکارنکیا (Scarnecchia, 1995) و بوگیل و همکاران (Bogale et al., 2006) نیز در مطالعات خود بدین موضوع اشاره داشته‌اند.

تأثیر عوامل مؤثر بر شیوه‌های بهره‌برداری از دیدگاه بهره‌برداران تأثیر نوع بهره‌برداری بر تمایل بهره‌بردار به ازدیاد دام

نتایج آزمون دوجمله‌ای برای مقایسه تأثیر نوع بهره‌برداری بر میزان تمایل بهره‌برداران به افزایش تعداد دام نشان می‌دهد که میزان تمایل بهره‌بردار به ازدیاد دام در بهره‌برداری شورایی تفاوت معنی‌دار (در سطح پنج درصد) داشته، در حالی که در بهره‌برداری‌های مشاع و افرازی این تفاوت دیده نشده است (جدول ۴). بر اساس این نتایج، میزان تمایل بهره‌بردار به ازدیاد دام در بهره‌برداری شورایی با هفتاد درصد بیش از دو نوع دیگر بهره‌برداری بوده است. در توجیه این مطلب می‌توان بدین نکته اشاره کرد که در بهره‌برداری‌های مشاعی، بهره‌بردار با کوتاهی در رعایت و اجرای مسائلی چون تعداد دام مجاز، زمان ورود و خروج دام از مرتع، و طول مدت چرا، توجه کمی به وضعیت مرتع و میزان تولید دارد؛ در شیوه شورایی، با توجه به نظارت شورا، نتایجی مطلوب از نظر وضعیت پوشش و بهره‌برداری برای دامداران ایجاد شده و از این‌رو، تمایل سایر بهره‌برداران نیز بدین شیوه افزایش یافته است.

تأثیر نوع بهره‌برداری بر مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح‌های مرتع‌داری

نتایج آزمون دوجمله‌ای در زمینه تأثیر نوع بهره‌برداری بر میزان مشارکت بهره‌برداران نشان می‌دهد که بهره‌برداری شورایی (در سطح یک درصد) و مشاع (در سطح پنج درصد)، به ترتیب، با ۶۵ و ۶۰ درصد دارای بیشترین میزان مشارکت در اجرای طرح‌های مرتع‌داری در منطقه بوده‌اند، در حالی که بهره‌برداری افرازی با ۲۱ درصد دارای کمترین میزان مشارکت بوده است (جدول ۴). با توجه به نظارت شورای روستایی بر روند اجرای طرح‌های مرتع‌داری در مراتع زیر پوشش خود، به نظر می‌رسد که بهره‌برداران از نتایج به‌دست آمده رضایت داشته و تمایل بیشتری نسبت بدان نشان داده‌اند، در حالی که احتمالاً به دلیل گریز از شرایط رقابتی که در شیوه‌های مشاعی و شورایی وجود دارد، بهره‌برداران افرازی تمایل کمتری به شرکت داشته‌اند.

تأثیر نوع بهره‌برداری بر احساس مالکیت بهره‌بردار نسبت به مرتع

نتایج مقایسه تأثیر نوع بهره‌برداری بر احساس مالکیت بهره‌برداران نسبت به مرتع نشان می‌دهد که تمایل و حس مالکیت بیشتری در بهره‌برداران افرازی و مشاع نسبت به بهره‌برداران شورایی وجود دارد، به گونه‌ای که احساس مالکیت بهره‌برداران در شیوه‌های بهره‌برداری افرازی و مشاع، به ترتیب، ۹۹ و ۹۸ درصد است (جدول ۴)، توضیح آنکه در مراتع شورایی، به دلیل عدم تفکیک پروانه چرا، افراد بیشتری دخیل‌اند و در نتیجه، احساس مالکیت کاهش می‌یابد (سعیدی گراغانی و همکاران، ۱۳۹۰).

تأثیر نوع بهره‌برداری بر پشتیبانی دولت از بهره‌بردار در برابر متخلفان

نتایج آزمون دوجمله‌ای نشان می‌دهد که میزان پشتیبانی دولت از بهره‌برداران شورایی و افرازی (به ترتیب، با ۷۵ و هفتاد درصد) کم بوده است؛ در عین حال، ۷۱ درصد از بهره‌برداران مشاعی از پشتیبانی دولت راضی بوده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴- تأثیر عوامل مؤثر بر شیوه‌های بهره‌برداری از دیدگاه بهره‌برداران

عامل	درجه و سطح معنی‌داری	شورایی (درصد)	مشاع (درصد)	افرازی (درصد)
تمایل بهره‌بردار به ازدیاد دام	کم	۳۰	۴۲	۶۰
	زیاد	۷۰	۵۸	۴۰
	P	۰/۰۳	۰/۱۷	۰/۲۶
مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح‌های مرتع‌داری	کم	۳۵	۴۰	۷۹
	زیاد	۶۵	۶۰	۲۱
	P	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۳۵
احساس مالکیت بهره‌بردار نسبت به مرتع	کم	۵۵	۲	۱
	زیاد	۴۵	۹۸	۹۹
	P	۰/۳۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
پشتیبانی دولت از بهره‌بردار در برابر متخلفین	کم	۷۵	۲۹	۷۰
	زیاد	۲۵	۷۱	۳۰
	P	۰/۲۳	۰/۱۱	۰/۰۱۹

تخلفات در بهره‌برداری شورایی، به دلیل استفاده کمتر از قرقبان، بیشتر می‌شود و در نتیجه، میزان رضایت بهره‌برداران شورایی کاهش می‌یابد. سعیدی گراغانی و همکاران (۱۳۹۰) نیز در مطالعات خود بدین نتیجه رسیده‌اند که هرچه بهره‌برداری از حالت انفرادی به سمت گروهی پیش می‌رود، میزان رضایت‌مندی بهره‌بردار کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

با توجه به سابقه بهره‌برداری در مراتع بیلاقی مورد مطالعه، عمده بهره‌برداری‌ها به شیوه مشاع بوده، که مشکلاتی چون عدم رعایت تعداد دام مجاز، زمان بهره‌برداری، شدت بهره‌برداری، کاهش مشارکت در اجرای طرح‌های مرتع‌داری، و عدم احساس مالکیت را در پی داشته است. بر اساس نتایج تحقیق حاضر، می‌توان گفت که با توجه به خسارات کمتر مراتع ناشی از اجرای بهره‌برداری انفرادی (افرازی) در آنها و همچنین، احساس رضایت و تمایل بیشتر بهره‌برداران نسبت به اجرای این شیوه در منطقه که مشکلات فرهنگی کمتری را در پی دارد، در صورت تأمین شرایط اجرایی، می‌توان با این نوع بهره‌برداری به پایداری بیشتری در مدیریت مراتع دست یافت.

یادداشت‌ها

- | | |
|--------------------|--------------------------|
| 1. range condition | 7. utilization |
| 2. rangeland | 8. phytomass |
| 3. ownership | 9. Melilotus Officinalis |
| 4. council | 10. Lolium Prenne |
| 5. collective | 11. Potentilla Reptans |
| 6. private | 12. Senecio Vernalis |

منابع

ارزانی، حسین؛ آذرنیوند، حسین؛ و مهرابی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، «حداقل مساحت مورد نیاز دامداران روستایی استان مرکزی». *مجله بیابان*، سال ۶، شماره ۲، صص ۳۲۷-۳۳۸.

ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵)، *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران*. تهران: اطلاعات.

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۸)، «ابعاد اجتماعی مؤثر بر حفظ یکپارچگی اراضی مرتعی با تأکید بر استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد». *مجله جنگل و مرتع*، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۲۶-۳۹.
- بازیان، غلامرضا (۱۳۷۴)، «بهترین حالت بهره‌برداری از مراتع حریم روستایی از دیدگاه دامداران روستایی». *مجله پژوهش و سازندگی*، سال ۷، شماره ۲۷، صص ۵۲-۵۷.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و لباف خانیکی، مجید (۱۳۷۹)، «مرتع، نظام‌های بهره‌برداری». *مجله تحقیقات جغرافیایی*، سال ۱۵، شماره ۱، صص ۲۰۹-۲۳۴.
- حسینی‌نسب، معصومه؛ بارانی، حسین؛ و دیانتی تیلکی، قاسمعلی (۱۳۸۹)، «مطالعه روابط بین نوع مالکیت و وضعیت بهره‌برداری (با تأکید بر مراتع بیلاقی شهرستان اراک)». *مجله تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، سال ۱۷، شماره ۱، صص ۱۶۶-۱۷۹.
- حیدری، قدرت‌اله؛ عقیلی، سید محمود؛ بارانی، حسین؛ قربانی، جمشید؛ و محبوبی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «تحلیل همبستگی بین وضعیت مرتع و میزان مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح‌های مرتع‌داری (مطالعه موردی: مراتع بلده، استان مازندران)». *مجله علمی پژوهشی مرتع*، سال ۴، شماره ۱، صص ۱۳۸-۱۴۹.
- خلیقی، نعمت‌اله و قاسمی، تاج محمدحسن (۱۳۸۳)، «بررسی تأثیر مسائل اقتصادی-اجتماعی بر میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتع‌داری (شمال استان گلستان)». *مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی*، سال ۱۱، شماره ۱، صص ۱۸۱-۱۹۰.
- خلیقی، میرمنصور؛ خلیقی، نعمت‌اله؛ و فرهپور، مهدی (۱۳۸۵)، «بررسی پایداری اجتماعی و اکولوژیکی شیوه‌های مختلف بهره‌برداری از مراتع (مطالعه موردی: حوزه سد امیرکبیر)». *مجله تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، سال ۱۳، شماره ۲، صص ۸۲-۹۳.
- دفتر فنی مرتع (۱۳۸۴)، *دستورالعمل تهیه طرح‌های مرتع‌داری*. تهران: سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری کشور، ۵۲ ص.
- سعیدی گراغانی، حمیدرضا؛ حیدری، قدرت‌اله؛ بارانی، حسین؛ و علوی، سیدزکریا (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر نوع حقوق عرفی بهره‌برداران بر وضعیت و تولید مرتع (مطالعه موردی: مراتع بیلاقی دماوند، شهرستان آمل)». *مجله علمی پژوهشی مرتع*، سال ۵، شماره ۳، صص ۳۳۴-۳۴۳.
- عبدالله‌پور، مصطفی (۱۳۷۳)، «چرا و چگونه باید زمینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی را در مرتع فراهم نمود». *مجموعه مقالات اولین سمینار مرتع و مرتع‌داری در ایران*، ۲۷-۲۵ مرداد ۱۳۷۳، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان.
- فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۴)، *سازگاری بهره‌برداری از منابع طبیعی با توسعه پایدار در اسلام*. پایان‌نامه دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

- فراهانی فرد، سعید و صادقی، حسن (۱۳۸۵)، «ساختار مالکیت و تأثیر آن بر بهره‌برداری از منابع طبیعی (بررسی تطبیقی)». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال ۶، شماره ۴.
- مهرابی، علی‌اکبر؛ قربانی، مهدی؛ گلکاریان، علی؛ و ابریشم، الهام‌السادات (۱۳۸۹)، «نظریه‌پردازی حوزه‌های آبخیز در جایگاه واحد پایه مدیریت مشارکتی سرزمین (بررسی موردی: شهرستان فیروزکوه، حوزه آبخیز دره فیرده)». *فصلنامه مرتع و آبخیزداری*، سال ۶۳، شماره ۴، صص ۵۲۹-۵۴۱.
- میلاذفر، حسن؛ بارانی، حسین؛ جولایی، رامتین؛ و ریاضی‌فر، پرویز (۱۳۸۹)، «بررسی و تعیین اندازه بهینه واحدهای بهره‌برداری مرتعی بر پایه بهره‌وری اقتصادی و پایداری اجتماعی (بررسی موردی: مراتع شهرستان ارومیه)». *فصلنامه مرتع و آبخیزداری*، سال ۶۳، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۱۸.
- Bogale, A.; Taeb, M.; and Endo, M. (2006), "Land ownership and conflicts over the use of resources: implication for household vulnerability in eastern Ethiopia". *Journal of Ecological Economics*, Vol. 58, No. 1, pp. 134-145.
- Cousins, B. (2000), "Tenure and common property resource in Africa". In: Toulmin, C. and Quan, J. (Eds.) *Evolving Land Rights, Policy and Tenure in Africa*, International Institute for Environment and Development (IIED), London, pp. 151-180.
- Kissling-Naf, I.; Volken, T.; and Bisang, K. (2002), "Common property and natural resources in the Alps: the decay of management structures?". *Forest Policy and Economics*, Vol. 4, No. 2, pp. 135-147.
- Lise, W. (2000), "Factors influencing people's participation in forest management in India". *Journal of Ecological Economics*, Vol. 34, No. 3, pp. 379-392.
- Scarnecchia, D. L. (1995), "The rangeland condition concept and range science's search for identity: a systems viewpoint". *Journal of Range Management*, Vol. 48, No. 2, pp. 181-186.
- Timah, E. A.; Ajaga, N.; Tita, D. F.; Ntonga, L. M.; and Bongsiysi, I. B. (2008), "Demographic pressure and natural resources conservation". *Ecological Economics*, Vol. 64, No. 3, pp. 475-483.